

فصلنامه لسان مبین (پژوهشی ادب عربی)
(علمی - پژوهشی)
سال ششم، دوره جدید، شماره نوزدهم، بهار ۱۳۹۴، ص ۵۰-۲۳
بررسی و مقایسه صورخیال در ملحمه‌های فرطوسی و شکور*

زهرا خسروی

دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی

فاطمه السادات ارفع

دانش آموخته دکتری دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی

چکیده

عنصر خیال، یکی از عناصر اصلی شعر است که آن را جزء جوهری شعر و فصل مقوم آن دانسته‌اند. عنصری که بر تمام عرصه‌های زندگی انسان مخصوصاً نحوه تفکر و زندگی ادبی و هنری ادیبان و هنرمندان سیطره دارد و عرصه‌ای نیست که از حضور و ظهور این نیروی شگفت‌انگیز و افسونگر تهی باشد؛ لکن در علم بیان و مباحث مهم آن (تشبیه، استعاره و کنایه) نمودی پویا و گسترده دارد. از دیگر سو، ملحمه - که در ادبیات معاصر عرب بر منظومه‌های شعری طولانی اطلاق می‌گردد و داستان زندگی انسانی بزرگ را در موقعیت‌های مختلف به تصویر می‌کشد - به عنوان یکی از انواع ادبی مطرح شده و در این میان ملحمه‌های دینی از اهمیتی بیشتر برخوردار بوده‌اند. به دلیل جایگاه قابل تأمل ملحمه بخصوص ملحمه دینی در ادبیات معاصر عرب و شیوه‌هایی منحصر به فرد که در این نوع ادبی وجود دارد، توجه خاص به این نوع ادبی ضروری می‌نماید. روشن کردن این بخش از زیبایی‌های ادبی در ملحمه‌های فرطوسی و شکور - که معطوف به زندگی رسول خدا (ص) است - هدفی است که در این پژوهش تلاش می‌شود به آن دست یافته شود. تنوع و گستردگی تصاویر تشبیهی و استعاری در دو ملحمه، ابتکار و نوآوری و عرضه تصاویر جدید در ملحمه شکور، فراوانی انواع کنایه و همچنین استعاره مکنیه در ملحمه شکور بخشی از نتایج این پژوهش به شمار می‌رود.

کلمات کلیدی: صور خیال، ملحمه، فرطوسی، شکور.

* - تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۴/۰۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۱۰/۲۹

۱. مقدمه

۱-۱ بیان مسأله

«ملحمه» که در لغت به معنای جنگ و درگیری شدید، و به محلّ جنگ و میدان کارزار هم اطلاق شده است (ابن منظور، ۲۰۰۵م: ماده لحم) در اصطلاح به قصیده‌ای طولانی اطلاق می‌شود که در آن زندگی قهرمان ملی، دینی یا اسطوره‌ای با اعمال خارق العاده ترسیم می‌شود. محور ملحمه، زندگی این قهرمان است که حوادث زندگی او با تاریخ، پیوندی تنگاتنگ دارد و در آن به وصف ویژگی‌ها، مدح دلآوری‌ها و شجاعت‌های او پرداخته می‌شود. (هلال، ۱۹۶۲م: ۱۴۳؛ خفاجی، بی‌تا: ۳/ ۱۰۴) برخی ملحمه‌های معاصر؛ همچون ملحمه اهل البیت فرطوسی^۱ و ملحمه الرسول^(ص) - شکور^۲ - که ویژگی‌های ملاحم؛ همچون توصیف قهرمانان و صحنه نبرد، بیان حوادث خارق العاده، پیشگویی و خبر از آینده را دارا هستند - از ویژگی خاصی برخوردارند که آن‌ها را از دیگر ملاحم ممتاز می‌سازند. موضوع این ملاحم، تاریخ زندگی یک یا چند تن از شخصیت‌های دینی و وصف رویدادها و دلآوری‌های ایشان است که با توجه به حقایق تاریخی و آمیختن آن‌ها با عناصر و قوالب داستانی به وجود آمده است. محور ملحمه‌های مورد نظر در این پژوهش شخصیت و زندگی رسول خدا^(ص) است.

در این پژوهش تلاش شده به شیوه توصیفی-تحلیلی با ارائه نمودارهای آماری، بخشی از زیبایی‌های صور خیال در ملحمه‌های معاصر عرب نشان داده شود که این مهم از طریق مقایسه اشتراکات و تمایزات صورخیال در ۱۱۰۰ بیت ملحمه شکور، شاعر و ادیب لبنانی، و ۳۰۰۰ بیت ملحمه عبدالمنعم فرطوسی عالم دینی و شیعه مذهب عراقی انجام می‌گیرد. لذا این جستار در پی پاسخگویی به سؤالات تحقیق ذیل تدوین می‌گردد:

۱- با وجود تفاوت ادیان، ذوق، ادب و تفکر انسان در مواجهه با شخصیت‌های بزرگ

چگونه برخورد می‌کند؟

۲- هر یک از دو ملحمه تا چه میزان از انواع صور خیال بهره برده‌اند؟

۳- عناصر تشکیل دهنده تصاویر تشبیهی و استعاری دو ملحمه چیست؟

۴- میزان ابتکار و نوآوری در صور خیال دو ملحمه چگونه است؟

۲-۱ پیشینه تحقیق

در زمینه تحقیقات انجام شده در این حوزه باید اشاره نمود که با توجه به جایگاه ملحمه بویژه ملحمه‌های دینی در ادبیات معاصر، در قالب کتاب و پایان نامه تحقیقاتی چند انجام شده است؛ از جمله «الشعر الملحمی تاریخه و اعلامه» جورج غریب و مقاله «تأملی در ادبیات حماسی عرب در عصر حاضر» زهرا رفیعی راد که به بحث ملحمه به شکل عام پرداخته و ویژگی‌های آن را بررسی نموده‌اند. بخشی از کتاب «امام حسین^(ع) در شعر معاصر عربی» انسیه خزعلی و پایان نامه «بررسی و تحلیل و مقایسه منظومهٔ حماسی عید الغدیر از بولس سلامه و ملحمه الإمام علی^(ع) از عبدالمسیح الأنطاکی» از سید مهدی نوری نیز به صورت خاص، بر روی ملحمه‌های دینی انجام شده و ملحمه‌های مشخصی را از منظر محتوایی و ادبی بررسی کرده‌اند. علاوه بر آن، ملحمه‌های مورد نظر در این پژوهش؛ مانند ملحمهٔ فرطوسی - که به زندگانی ۱۴ معصوم پرداخته - بویژه بخش زندگانی حضرت زهرا^(س)، امام حسن^(ع) و امام حسین^(ع) مورد توجه واقع شده است. همچنین به سبب توجه و دقت فرطوسی در مبحث امامت و ولایت، پژوهش‌هایی هم در این زمینه صورت گرفته است. کتاب «اثبات امامت حضرت علی با تکیه بر ملحمه اهل بیت» جمشید باقر زاده و پایان نامه «امامت در ملحمه اهل البیت» نجمه هاشم پور در این مسیر انجام گرفته است. در مورد ملحمهٔ جورج شکور که در سال ۲۰۱۰م. چاپ شده است، تنها یک پایان نامه با عنوان «ترجمه و شرح ادبی موضوعی دیوان ملحمهٔ الرسول صلی الله علیه و آله»، زینب ترابی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، کارشناسی ارشد، زمستان ۱۳۹۰ش. یافت گردید که به ترجمه برخی از ابیات ملحمه و توضیحات مختصر بلاغی در باب تعدادی محدود از ابیات بسنده شده بود. ملحمه‌های دیگر جورج شکور؛ مانند ملحمهٔ الإمام علی^(ع) و ملحمه الإمام الحسین^(ع) نیز مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است؛ اما هیچ یک از پژوهش‌های مذکور موضوع حاضر را بدین شیوه بررسی نکرده‌اند.

۲. صور خیال در ملحمه‌های فرطوسی و شکور

۲-۱ خیال و تخیل

بی‌شک عنصر ذاتی هر شعری، عنصر خیال است که آن را «جزء جوهری شعر و فصل مقوم آن» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵ش: ۹) دانسته‌اند. در تأکید اصل برتری خیال در میان عناصر شعر، بارها در کتب ادبی آمده است که هرچه شاعر از قوهٔ خیال برتری برخوردار باشد، شعرش از جوهرهٔ

شعری و زیبایی بیشتری برخوردار است. بنابراین، در اهمیت عنصر تخیل باید گفت که اگر تخیل نباشد، شاعر هرگز نمی‌تواند بین مفاهیم ذهنی و اشیا ارتباط برقرار کند و بی‌تخیل، شعر وی جز بیان عادی و خبری گفتار، چیز دیگری نیست. پس اگر شاعر یا هنرمند از صور خیال سود می‌جوید، درصدد بیان چیزی است که گفتن آن با کلمات عادی یا با عقل متعارف امکان پذیر نیست یا بسیار مشکل است. (یونگ، ۱۳۷۲ش: ۶۶) به همین دلیل، وجود تخیل در شعر یک عنصر الزامی است، البته ارزش یک تخیل در بار عاطفی آن تخیل است؛ تخیلی که مجرد از عاطفه باشد، هرچند زیبا هم باشد، به ابدیت نمی‌رسد. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰ش: ۹۰)

عنصرخیال برتمام عرصه‌های زندگی انسان مخصوصاً ساحت فکری و حیات ادبی و هنری ادیبان و هنرمندان سیطره دارد و عرصه‌ای نیست که از حضور و ظهور این نیروی شگفت‌انگیز و افسونگر تهی باشد، لکن در علم بیان و مباحث مهم آن (تشبیه، استعاره، کنایه) نمودی پویا، پرننگ و گسترده دارد. بیهوده نیست که گفته‌اند: «علم بیان، علم رمزگشایی سخن ادبی و علم شناخت هنر و ارزش‌های ادبی است.» (شمیسا، ۱۳۷۶ش: ۲۶) در حقیقت علم بیان در حوزه بلاغت به عنوان مهم‌ترین ابزار تصویر و مجموعه قواعدی است که به وسیله آن‌ها می‌توان یک معنی را بگونه متعدد بیان کرد.

۱-۲-۲ تشبیه

تشبیه، هسته اصلی و مرکزی اغلب خیال‌های شاعرانه است، صور گوناگون خیال و نیز انواع تشبیه مایه گرفته از همان شباهتی است که نیروی تخیل شاعر در میان اشیا کشف می‌کند و در صور مختلف به بیان می‌آورد. (پورنامداریان، ۱۳۹۰ش: ۲۱۴) برای روشن ساختن ویژگی‌های زیباشناسانه تشبیه در اشعار دو شاعر، تصاویر تشبیهی در بخش‌های مختلف؛ مانند انواع تشبیه، تکراری و بدیع بودن تشبیه و عناصر سازنده آن بررسی می‌گردد:

۱-۲-۱-۱ انواع تشبیه در ملحمه‌های فرطوسی و شکور

نمونه‌های مختلف تشبیه در دو ملحمه مورد نظر، از توجه شاعران به تشبیه برای رساندن مطلب و آراستگی آن حکایت دارد.

الف) تشبیه صریح و غیرصریح در ملحمه‌های فرطوسی و شکور

در تشبیه صریح، وجه شبه و ادات تشبیه ذکر می‌شود. در این هنگام تفارق و دوگانگی میان دو سوی تشبیه مشهودتر است. آن‌ها در واقع دو شیء هستند که تنها یک یا دو صفت مشابه، آن دو را به هم پیوند داده است. افزون بر آن، وقتی شاعر وجه شبه را ذکر می‌کند، در واقع تلاشی را

که باید ذهن خواننده برای کشف رابطهٔ میان دو سوی تشبیه انجام دهد، شاعر خود به انجام رسانده است، به همین دلیل است که در تشبیهی که وجه شبه در آن ذکر می‌شود، تصویر یک بار و برای همیشه، مفهوم خود را عرضه می‌کند. (همان: ۲۲۱)

فرطوسی در بیان ارزش قرائت قرآن کریم، خانه‌ای که قرآن در آن تلاوت شود به ستاره‌ای درخشان در زمین تشبیه کرده که اهل آسمان نور و درخشش آن را درمی‌یابند:

وَ هُوَ كَالْكوكِبِ الْمَضِيءِ مِنَ الْأَرْضِ شُعَاعًا يَزُّهُو لِأَهْلِ السَّمَاءِ

(۱۴۰۷ق: ۱۵۵)

شکور نیز رسول خدا^(ص) را به هنگام ورود به شهر مدینه - که همراه با شادی و شغف فراوان مردم شهر بود - به ستاره‌ای درخشان از ستارگان نورانی جوزاء تشبیه می‌کند:

يَتَرَاءَى مُحَمَّدٌ فِيهِ نُجْمًا لَوْلُؤِيًّا مِنْ أُنْجُمِ الْجَوْزَاءِ

(۲۰۱۰م: ۱۱۵)

در این دو بیت شعر، معنی و مفهوم آشکار است و خواننده برای دریافت آن نیاز به تلاش چندانی ندارد، وجه شبه در هر دو، روشنایی و درخشش و دلیل تشبیه روشن و واضح است. آنچه به تشبیه صریح ارزش و اعتبار می‌بخشد، شگفتی حاصل از کشف ارتباط بین مشبه و مشبه‌به است که در خواننده عکس العمل روحی خاصی به وجود می‌آورد که احساس زیبایی و لذت حاصل از اعجاب است. این نوع از تشبیهات بخصوص وقتی عناصر سازنده آن محسوس و طبیعی باشند، در شعر زیبایی ملموس و عینی‌تری به وجود می‌آورند؛ اما در تشبیهات غیرصریح یا بلیغ که فقط طرفین تشبیه در آن حضور دارند با حذف وجه شبه و ادات تشبیه آن، شعر به فضایی ابهام آمیز کشانده می‌شود. در این نوع که گاهی ممکن است به صورت ترکیب اضافی درآید، در اکثر قریب به اتفاق موارد، مضاف در آن مشبه‌به و مضاف‌الیه مشبه است، گاهی نیز تشبیه به صورت غیراضافی و فقط با حذف ادات تشبیه و وجه شبه ایجاد می‌گردند. از تشبیه بلیغ اضافی در ابیات دو شاعر می‌توان به این موارد اشاره نمود:

فرطوسی در ابیات زیر امید و رجاء را در نجات‌بخشی به ریسمان و ریاء را در غفلت و

گمراهی به تاریکی تشبیه کرده است:

وَ جَمِيعُ الْأَعْمَالِ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ هِيَ مَوْصُولَةٌ بِجَبَلِ الرَّجَاءِ

(۱۴۰۷ق: ۱۴۰)

وَ عَلَيَّ بِالنُّورِ يَمْلُؤُ قَلْبًا وَ أَبُو جَهْلٍ فِي ظِلَامِ الرَّيَاءِ

(همان: ۲۲۷)

شکور نیز در ابیات زیر جهل و نادانی را به تاریکی و نابودی را به شمشیر مرگ تشبیه کرده است:

فِي ظُلْمَةِ الْجَهْلِ وَالطُّغْيَانِ مُنْتَشِرٌ جَاهِي وَ جَاهَرَ مَنْ ضَلُّوا وَ مَنْ كَفُرُوا
(۲۰۱۰م: ۵۹)

وَ بِكَفِّهِ سَيْفُ الْمَيْتَةِ مُشْرِعٌ وَ بِصَدْرِهِ صَوْتُ الْمَرْوَةِ يَأْمُرُ
(همان: ۱۵۵)

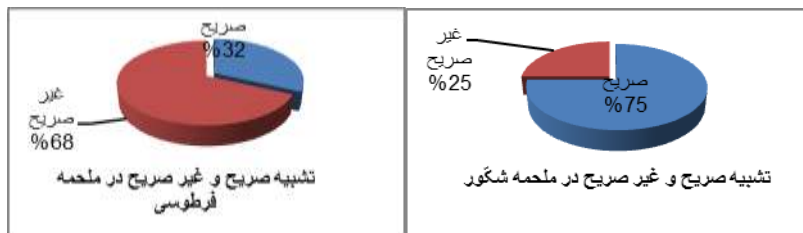
برای نمونه‌هایی از تشبیه بلیغ غیراضافی نیز می‌توان به ابیات زیر اشاره کرد: شکور در ترسیم جریان هجرت مخفیانه گروهی از صحابه پیامبر^(ص) به حبشه، از عبارت «اللیل أستاذ» استفاده و شب را در پوشاندگی به پرده تشبیه کرده است:

فَوَافَاهُ مِنْ أَهْلِ الصَّحَابَةِ عُصْبَةٌ عَلَى رَأْسِهَا عُثْمَانُ وَ اللَّيْلُ أَسْتَاذُ
(همان: ۴۶)

فرطوسی کلام الهی را خطاب به رسول اکرم^(ص) در خطبه یوم الغدير یادآورد می‌شود و حضرت علی^(ع) را در هدایتگری به پرچمی تشبیه می‌کند که بعد از رسول خدا^(ص) هدایت مسلمانان را به عهده خواهد داشت:

فَأَقِمْهُ لِلنَّاسِ بَعْدَكَ فِيهَا عِلْمًا فَهَوَ خَيْرُهُ الْوُزُرَاءُ
(۱۴۰۷ق: ۳۰۹)

از میان ۱۸۲ تشبیه در ملحمه فرطوسی ۶۰ مورد و از ۱۰۲ تشبیه در ملحمه شکور ۷۵ مورد تشبیه صریح است. نمودار زیر نشان دهنده این تفاوت است:



نمودار شماره ۱

در بررسی این دو نوع تشبیه (تشبیه صریح و غیر صریح) برخی بر این عقیده‌اند که تشبیه غیر صریح یا بلیغ از منظر بلاغت در عالی‌ترین درجه تشبیه قرار دارد؛ تشبیهی که شاعر با حذف ادات و وجه شبه، ترکیب خود را به استعاره نزدیک ساخته و ادعای مشابهت بین طرفین را به

مخاطب القا می‌کند. (خطیب قزوینی، ۱۴۲۴ق: ۲۰۲) اما حقیقت آن است که به صورت انتزاعی نمی‌توان هیچ یک از دو نوع تشبیه را بر دیگری ترجیح داد، مهم توافق و هماهنگی تصویر با سرشت عاطفی شعر است. هوشیاری در انتخاب نوع تصویر، هوشیاری ناآگاه و وابسته به شعور باطنی شاعر است. (ر.ک: پورنامداریان، ۱۳۹۰ش: ۲۲۳)

در شعر هر دو شاعر در بسیاری موارد نشانه‌های این شکوفایی طبیعی را می‌بینیم و احساس می‌کنیم که هم در تشبیهاتی که ادات تشبیه و وجه شبه یا یکی از آن‌ها ذکر شده و هم در تشبیهاتی که هیچ یک از آنان ذکر نشده، می‌توان زیبایی و هماهنگی خیال و عاطفه را احساس کرد، این هماهنگی را بخصوص باید در کل شعر در نظر گرفت که به نظر می‌رسد هر دو شاعر در رساندن معنی و مفهوم مورد نظر موفق بوده‌اند.

ب) تشبیه مرکب در ملحمه‌های فرطوسی و شکور

در کتب بلاغی در بحث از تشبیه و انواع آن غالباً از یک نوع تشبیه تحت عنوان «تشبیه مرکب» در مقابل مفرد سخن به میان آمده است. در تعریف این تشبیه آورده‌اند: «هریک از مشبه و مشبه-به کیفیتی است از مجموع اشیای بهم پیوسته و متصل که یک چیز گشته‌اند.» (تفتازانی، ۱۳۸۳ش: ۳۱۷)

فرطوسی از ۱۰ مورد و شکور از ۸ تشبیه مرکب در بیان مقاصد خود بهره برده‌اند، با توجه به میزان ابیات دو ملحمه تشبیهات مرکب در ملحمه شکور از بسامد بیشتری برخوردار است. فرطوسی که تشبیهات خود را بر پایهٔ تشبیهات ساده و روان قرار داده، در تشبیهات مرکب هم غالباً به مواردی پرداخته است که ساده هستند. وی جایگاه حضرت علی^(ع) نسبت به رسول خدا^(ص) را همچون «سر» نسبت به سایر اعضای بدن می‌داند:

أَنْتَ نَفْسِي وَ أَنْتَ مِنِّي بِحَقِّ
مِثْلَ رَأْسِي مِنْ سَائِرِ الْأَعْضَاءِ

(۱۴۰۷ق: ۲۸۵)

با توجه به تشبیهات مرکب در دو ملحمه، شکور در بهره‌گیری از تشبیه مرکب با شکل نو و بدیع قوی‌تر از فرطوسی عمل کرده و تلاش نموده است که از تشبیه‌های تکراری در این بخش اجتناب کند. وی اتحاد گروه‌های مختلف و قبایل در جنگ احزاب را به جریان نهرهایی تشبیه می‌کند که به هم رسیده و رودخانه می‌شوند.

وَ جَرَوْا كَمَا تَجْرِي الْجُدَاوِلُ كَثْرَةً
حَتَّى تَكُونُ مِنَ الْجُدَاوِلِ أَهْرَةً

(۱۵۳: م۲۰۱۰)

ج) تشبیه متعدد در ملحمه‌های فرطوسی و شگور

از مواردی که در زیبایی و تأثیرگذاری تصاویر نقشی بسزا دارد، تشبیه متعدد است که در میان انواع تشبیه متعدد، تشبیه جمع و مفروق مورد توجه دو شاعر واقع شده است. تشبیه جمع به تشبیهی اطلاق می‌شود که دارای چند مشبه به و یک مشبه باشد، (تفتازانی، ۱۳۸۳ش: ۳۱۸) هر یک از دو شاعر، چهار مورد از این تشبیه را در ملحمه خود آورده‌اند. نقطه ممتاز تشبیهات جمع در ملحمه شگور تشبیه مرکبی است که آن را نو و بدیع آورده است، زمانی که می‌خواهد نازل کردن آیات الهی توسط جبرئیل را بیان کند، آن را به بوی خوشی که از یک گل پراکنده می‌شود یا قطره‌های باران که از آسمان می‌بارد، تشبیه می‌کند:

وَجِبْرِيلٌ يُّزِفُّ إِلَيْكَ آيَاتٍ
وَمِثْلَ الطَّلِّ تُرْسَلُهُ سَمَاءٌ
كَمَا زَفَّ الشَّدَى زَهْرًا شَدِيًّا
يُقَطَّرُ مَاءُهُ سَحْرًا نَدِيًّا

(۷: م۲۰۱۰)

شگور جز یک مورد که به توصیف رسول خدا (ص) پرداخته، در بقیه موارد از مشبه‌های معنوی و مشبه‌به‌های حسّی بهره برده است. وی در این حالت توانسته از مشبه‌به‌های متعدّد حسّی برای تبیین مشبه معنوی استفاده کند. در حالی که دو طرف تشبیه در تشبیهات فرطوسی گاهی معنوی و گاهی حسّی است. البته نکته بارز در تشبیه‌های جمع فرطوسی، تعدّد مشبه‌به هاست که گاهی به ۹ مورد می‌رسد و همین امر موجب گردیده تا وی در تبیین و توضیح مشبه‌ها دقیق‌تر عمل نماید. فرطوسی در یکی از تشبیهات جمع، دنیا را بهشت کافر و زندان انسان‌های مؤمن ترسیم می‌کند:

جَنَّةُ الْكَافِرِ الْحَيَاةُ وَ سِجْنٌ^۴
هِيَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَوْلِيَاءِ

(۱۴۰۷ق: ۳۵۰)

تشبیه مفروق گردآوردن چند تشبیه است؛ بگونه‌ای که هر مشبه با مشبه به دیگر می‌آید. (تفتازانی، ۱۳۸۳ش: ۳۱۹) این نوع تشبیه هم در موارد اندکی مورد توجه دو شاعر بوده است. یک مورد در ملحمه شگور و چهار مورد در ملحمه فرطوسی که در این نوع تشبیه هم مانند تشبیه جمع، شگور از مشبه معنوی و فرطوسی از تشبیه‌های متعدد بهره برده است. از میان تشبیه مفروق می‌توان به این ابیات اشاره نمود:

شکّور زمانی که جنگ بدر را به تصویر می‌کشد، غرّش جنگاوران را به درخشش شمشیرها و شرارهٔ چشم‌ها را به زبانه کشیدن نیزه‌ها تشبیه می‌کند:

شَرُّ الرَّيْبِ كَمَا السُّيُوفُ تَأَلَّقُ شَرُّ الْعُيُونِ كَمَا رِمَاحُ تُزْرَعُ

(۲۰۱۰م: ۱۳۴)

فرطوسی در توصیف مهربانی و توجه وافر حضرت ابوطالب به رسول خدا^(ص) چنین بیان می‌دارد که ابوطالب آنچنان به رسول خدا مهر می‌ورزید که قلب او گهواره و محل آسایش و پلک‌هایش بهترین محافظ و نگهدارندهٔ ایشان گشته بود:

قَدْ رَعَاهُ حَتَّى عَدَا الْقَلْبُ مِنْهُ خَيْرُ مَهْدٍ وَالْجَفْنُ خَيْرُ غَطَاءٍ

(۱۴۰۷ق: ۱۳۹)

در مجموع به نظر می‌رسد با توجه به تعداد ابیات مورد بررسی، هر دو شاعر توانسته‌اند از تشبیه متعدد در بیان موضوعات مورد نظر خود بهره‌برند.

۲-۲-۱-۲ تشبیه بدیع و تکراری در ملحمه‌های فرطوسی و شکّور

بررسی عناصر تصویرساز نشان می‌دهد که بسیاری از این عناصر کلیشه‌ای و سنتی به عبارتی میراث گذشتگان است، امری که موجب تکراری شدن تصاویر در شعر شاعران می‌گردد. مگر اینکه شاعران جدید میان این عناصر سنتی پیوند و رابطه‌ای برقرار کنند. کاربرد خورشید و ماه و ستاره، واژه‌های شیر و عقاب و شمشیر و کمان همگی از عناصری است که از پیشینیان به دورهٔ جدید رسیده است. البته گاهی تصویر زیبایی - که حاصل از کشف ارتباطی کاملاً تازه میان اشیاء باشد - دیده نمی‌شود. با این همه، شعر مؤثر است و انسان را متأثر می‌کند و این موضوع، بی‌گمان به زمینهٔ عاطفی شعر بستگی دارد. یک تصویر تکراری با وجود زمینهٔ عاطفی قوی و صمیمی از سطح می‌گذرد و عمق وجود انسان را دستخوش انفعال می‌کند و تارهای جان را به لرزه درمی‌آورد، درحالی که تصویر زیبا بدون زمینهٔ عاطفی، زیبایی‌اش در سطح می‌ماند. (پورنامداریان، ۱۳۹۰ش: ۲۲۲)

فرطوسی و شکّور هر دو در تشبیهات خود از این عناصر سنتی استفاده کرده‌اند که این موضوع در ملحمهٔ فرطوسی بیشتر بوده، امری که شکّور از آن اجتناب کرده و سعی نموده تا با بهره‌گیری از تشبیهات نو و بدیع به زیبایی تشبیهات خود بیفزاید. نمودار زیر نشان دهندهٔ این تفاوت در دو ملحمه است:



نمودار شماره ۲

پرکاربردترین عنصر کلاسیک در دو ملحمه؛ خورشید، ماه و ستاره است که غالباً برای توصیف چهره مبارک رسول خدا^(ص) استفاده شده است. در ملحمه فرطوسی این سه عنصر با بسامد بیشتر مشاهده می‌گردد و این فراوانی از آن روست که فرطوسی به دفعات از روایات و احادیث پیامبر و اهل بیت بهره برده و آن‌ها را با این عناصر توصیف نموده است. از میان تشبیهات تکراری در دو ملحمه می‌توان به این موارد اشاره نمود:

كَانَ كَالْبَدْرِ وَجْهُهُ حِينَ يَدُورُ مُسْتَنِيرًا فِي اللَّيْلَةِ الظَّلْمَاءِ

(فرطوسی، ۱۴۰۷، ق: ۲۵۲)

یعنی: سیمای رسول خدا^(ص) همچون ماه تمام بود؛ زمانی که در شب تاریک و ظلمانی، درخشان و نورانی ظاهر می‌شود.

لَقِيَ الرَّسُولَ هُنَاكَ يَحْطُبُ واعظًا و كأنه البدرُ البهِيُّ الطالغُ

(شکور، ۲۰۱۰م: ۹۰)

یعنی: رسول خدا^(ص) را ملاقات کرد در حالی که خطابه می‌فرمود و چهره‌اش همچون ماه درخشان و نورانی شب چهارده می‌درخشید.

در میان تشبیهاتی که هر دو شاعر در ملحمه خود به کار برده‌اند، گاه شاهد تشبیهات بدیع تلمیحی هستیم که تداعی ماجرا برای خواننده بسیار مؤثر است. شکور کثرت سپاه دشمن در جنگ خندق را به جنگلی پر درخت تشبیه کرده که در میان گرد و غبار پیش می‌آمدند:

رَحَفَتْ جُيُوشُ الْمُشْرِكِينَ كَغَابَةِ شَجَرَاءَ يَعْلُوهَا وَ يُظْلِمُ عَثِيرُ

(۲۰۱۰م: ۱۵۴)

وی شدت زشتی نقض عهد و پیمان در میان قریشیان را همچون واقع شدن صاعقه بر کوه-

های سخت و محکم تصویر می‌کند.

نَقُضُ الصَّحِيفَةِ وَ المِيثَاقِ كَانَ لَهُ وَفُغِ الصَّوَاعِقِ فِي وَعْرِ مِنَ الجَبَلِ

(همان: ۶۹)

فرطوسی در بیان معجزات رسول خدا کنده شدن درخت و ایستادنش در مقابل پیامبر را به اسیری مطیع و فرمانبردار تشبیه نموده است:

وَقَفْتُ كَالْأَسِيرِ بَيْنَ يَدَيْهِ ثُمَّ عَادَتْ مَكَانَهَا لِلْوَرَاءِ

(۱۴۰۷ق: ۲۴۸)

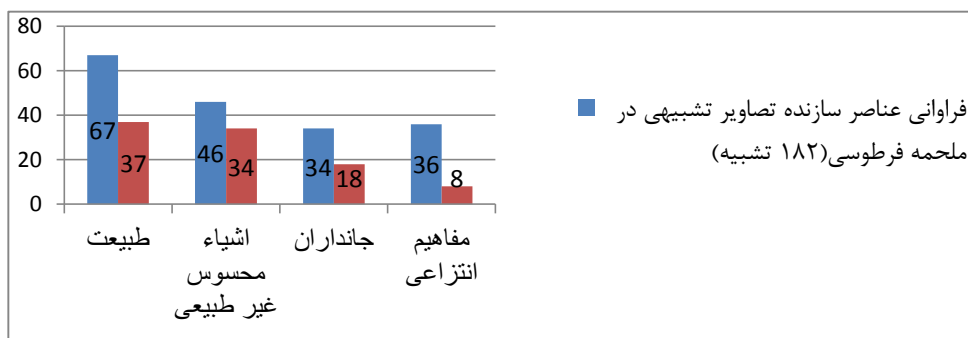
و در فتح مکه، در حالی که از سربلندی و سرافرازی دین اسلام سخن می‌گوید، شانه‌های مبارک رسول خدا (ص) را نردبان قدسی برای حضرت علی (ع) بیان می‌دارد:

فَتَسَامَى الدِّينُ الْحَنِيفُ ارْتِفَاعًا وَ تَهَاوَتْ أَصْنَامُهُمْ بِانْحِنَاءِ
حَيْثُ مَثَّنُ النَّبِيُّ مِرْقَاهُ قُدْسٍ لِعَلِيٍّ فِي سَاعَةِ الْإِرْتِفَاءِ

(همان: ۲۷۰)

۳-۱-۲-۲ عناصر سازندهٔ تصاویر تشبیهی در ملحمه‌های فرطوسی و شکور

این عناصر در چهار بخش طبیعت، اشیای محسوس غیرطبیعی، جانداران و مفاهیم انتزاعی مورد توجه قرار می‌گیرد. بررسی این عناصر در دو ملحمه با توجه به سه برابر بودن ابیات فرطوسی، نشان از پیشتازی شکور دارد. به نظر می‌رسد شکور ادیبی متبحر است که توانسته از عناصر متنوع تشبیهی در غنای ملحمه خود بهره ببرد. نمودار زیر مبین فراوانی عناصر سازنده تصاویر تشبیهی در دو ملحمه است:



نمودار شماره ۳

نقطهٔ مشترک عناصر تشبیهی دو ملحمه، برتری محسوس و چشمگیر عناصر طبیعی و اشیای محسوس غیرطبیعی است که این بسامد فراوان را می‌توان دلیلی بر برون‌گرایی دو شاعر دانست. استفاده از این پدیده‌ها در دو ملحمه نشان‌دهندهٔ ارتباط شاعران با محیط و طبیعت

درباره آن‌هاست. هردو شاعر برای ترسیم تصاویر خود به دامن طبیعت پناه برده و از عناصر آن بهره برده اند.

امور انتزاعی و خیالی در عناصر تشبیه به ندرت مجال حضور یافته‌اند که این امر در ملحمه شکور آشکار است. حسی بودن عناصر تشبیه متناسب با فضای ملحمی اشعار است؛ زیرا از دیدگاه شفیع‌ی کدکنی اگرچه ملحمه مجال استعاره و تشبیه نبوده است، استعارات و تشبیهات آن باید از عناصر حسی، تجربی و مادی باشد، نه امور انتزاعی؛ زیرا در حماسه، گفتار شاعر دربارهٔ اموری است که در دسترس تجربه و تعقل نیست ... جهانی که هیچ نظامی از نظام‌های دنیای ما بر آن حاکم نیست. گزارش این چنین جهانی، اگر با کمک گرفتن از تشبیه و استعاره استوار شود، بی‌گمان فرود آوردن و تنزل دادن آن عالم است در حدّ همین عالم موجود و دنیای حس. (شفیع‌ی کدکنی، ۱۳۷۵ش: ۳۸۵-۳۸۶)

۱. عناصر طبیعی

حضور طبیعت و جلوه‌های مختلف آن در ملحمه که همواره به عنوان مشبه به ذکر می‌شود، فضای شعر را از زیبایی و رنگ‌های طبیعت سرشار کرده و به آن وسعت و عظمت بخشیده است.

شکور حضرت علی^(ع) را در جنگ بدر مورد خطاب قرار داده و شجاعت و دلاوری ایشان را به تصویر کشیده و هلاک شدن قهرمانان دشمن به دست ایشان را به قطع شدن و سقوط درختان تشبیه کرده است:

طَوَّحَتْ بِالْأَبْطَالِ فِي سَاحِ الْوَعَى فَهَوَّوْا كَأَشْجَارٍ تَمِيلُ وَ تُقْلَعُ
(۲۰۱۰م: ۱۳۶)

فرطوسی نیز در توصیف رسول خدا، ایشان را عالم و آگاه به هر زبانی معرفی می‌کند که سخنانشان در کمال فصاحت و بلاغت همچون آب روان بر زبانش جاری می‌شود:

عَالَمٌ بِاللُّغَاتِ مِنْ كُلِّ لِسِنٍ فَهِيَ بَجَرِي بَلْسِيهِ كَالْمَاءِ
(۱۴۰۷ق: ۲۵۲)

۲. جانداران

در هر دو ملحمه گاهی موجودات جاندار؛ یعنی انسان، حیوانات و پرندگان یک سوی تشبیه را تشکیل می‌دهند. فرطوسی منع دشمنان اهل بیت از حوض کوثر را به رانده شدن شتران تشنه از آب تشبیه نموده است:

وَهُمْ يُنْعَوْنَ عَن حَوْضِ طِهٍ وَ يُذَادُونَ كَالنِّيَاقِ الظَّمَاءِ

(۱۴۰۷ق: ۱۶۴)

شکور سراقه بن مالک را در خروش برآوردن به شیر و نیزه خونین مرحب در جنگ خیبر را به ماری تشبیه می‌کند که قطرات سم از دهانش می‌چکد:

لَرَّ الْجَوَادُ إِلَيْهَا مَتَنَاسِيًا لِلْكَبُوتَيْنِ وَ مِثْلِ لَيْثٍ يَرَأُ

(۲۰۱۰م: ۱۱۲)

جَرَّ الرُّمَحَ عَلَى الْأَرْضِ كَمَا حَيَّةٌ وَالسُّمُّ مِنْهَا يَقَطُرُ

(همان: ۱۵۷)

او در ترسیم چگونگی بیعت عقبه دوم، حضور مخفیانه یثربیان را در حرکت آهسته و محتاطانه به حرکت مرغ قطا تشبیه نموده است.

وَ فِي الْحَقَاءِ لَيْلَةً تَسَلَّلُوا مِثْلَ الْقَطَا بِحِمِّ هَوَى وَ حَذَرُ

(همان: ۹۵)

۳. اشیای محسوس غیرطبیعی

در بسیاری از تصاویر تشبیهی، عناصر محسوس غیرطبیعی در ابیات دو شاعر یافت می‌شود. در میان این عناصر می‌توان آلات و ادوات جنگی، اشیای قیمتی و گرانبها و اشیای محسوس دیگری که به نوعی با زندگی انسان در ارتباط هستند مشاهده نمود. تفاوتی محسوس که در این بخش از ابیات دو ملحمه وجود دارد، برتری شعر شکور در استفاده از ابزار و آلات نظامی در تصویرهای شعری اوست. وی از واژه‌های سیف، رماح، سهام، نبل، رمح، ترس و حد السیف استفاده کرده، در حالی که فرطوسی فقط کلمه جُنَّة را به کار برده است؛ آنجا که در بیان حمایت حضرت ابوطالب از پیامبر (ص) ایشان را همچون سپری در برابر آزار دشمنان تصویر می‌کند:

وَ لَقَدْ كُنْتُ جُنَّةً مِّنْ عِدَائِهِ وَ أَذَاهَا لَهُ وَ خَيْرَ وَقَاءِ

(۱۴۰۷ق: ۱۴۴)

شکور حرکت سریع حضرت علی و حضرت حمزه را به سوی دشمن در جنگ احد به حرکت تیر تشبیه کرده است:

فَنَزَا عَلَيَّ كَالسَّهَامِ وَ حَمْرَةً وَ إِذَا بَعْتَبَةً حَيْثُ تَتَقَطَّعُ

(۲۰۱۰م: ۱۳۵)

و در جای دیگر کندن در خیبر و برداشتن آن توسط حضرت علی^(ع) را به سبکی برداشتن یک سپر ترسیم می‌کند:

حَامِلًا بَابًا لِحِصْنٍ شَامِخٍ مِثْلَمَا التُّرْسُ بِهِ يَتَشَيَّرُ

(همان: ۱۵۷)

استفاده از عناصری همچون مروارید، طلا، جواهر و ... در ملحمه دو شاعر از مایه‌های اشرافی عناصر خیالی شاعران محسوب می‌شود. امری که تحت تأثیر دوره‌های گذشته وارد زبان شده؛ هر چند حضور آن بسیار اندک است. فرطوسی قرآن و آیات پرارزش آن را به معدن جواهراتی از فضیلت و بزرگی تشبیه کرده است.

مَعْدِنٌ مِّنْ جَوَاهِرِ الْفَضْلِ فِيهِ يَلْقُطُ الْبَاجِثُونَ كُلَّ ثَرَاءِ

(۱۴۰۷ق: ۱۵۳)

شکور زمانی که داستان خشکسالی مردم مکه و درخواست آن‌ها را از ابوطالب برای طلب باران بیان می‌کند، چهره درخشان پیامبر اسلام را -که همراه ابوطالب برای طلب باران به سمت کعبه حرکت می‌کرد- به مروارید تشبیه کرده است:

فَمَضَى بِهَيْمَةَ مَارِدِينَ مُهْرُولًا مَعَهُ غُلَامٌ كَاللَّالِئِ غَالِ

(۲۰۱۰م: ۱۳)

در میان اشیای محسوس دیگر- که با زندگی انسان در ارتباط هستند- شکور به لباس، پرچم، پناهگاه، آینه، جلباب، پرده، جوهر و توپ اشاره کرده، و فرطوسی از لباس، پرچم، ساختمان، ریسمان، چراغ، نردبان، منبر، زندان، دارو و گهواره استفاده نموده است.

فرطوسی حضرت محمد^(ص) را در هدایتگری به چراغی روشن در شبی ظلمانی تشبیه کرده است:

فَتَبَدَّى فِي الْمَشْرِقَيْنِ مُضِيًّا كَسِرَاجٍ فِي اللَّيْلِ الظُّلْمَاءِ

(۱۴۰۷ق: ۱۳۶)

شکور نفس بی‌آلایش را در پاکی و صداقت به آینه تشبیه می‌کند که آمادگی نزول وحی الهی

را دارد:

إِذَا صَفَّتِ النَّفْسُ كَمَا الْمَرَايَا عَلَيْهَا يَنْزِلُ الْوَحْيُ الْبَهِيَّ

(۷: ۲۰۱۰م)

۴. مفاهیم انتزاعی

طرفین تشبیه در دو ملحمه، در اغلب موارد از امور حسّی بوده و امور انتزاعی و خیالی، به ندرت مجال حضور یافته‌اند. حسّی بودن عناصر تشبیه متناسب با فضای ملحمی اشعار است، اگرچه در ملحمه مجال استعاره و تشبیه نبوده است، استعارات و تشبیهات آن باید از عناصر حسّی، تجربی و مادی باشد و نه امور انتزاعی. در تشبیهات حسّی و عقلی، نمایاندن آنچه به حس در نمی‌آید، در چهرهٔ چیزی که به حس درک شود، بسیار مورد توجه ادیبان است. در بررسی نگاه دو شاعر به مفاهیم انتزاعی، هر دو شاعر به تشبیهات معقول به محسوس اقبال بیشتری نشان داده و برای بیان امور عقلی، از مفاهیم قابل رؤیت و محسوس بهره برده‌اند. از میان این تشبیهات که مورد مشترکی بین دو ملحمه یافت نشد، می‌توان به این موارد اشاره کرد:

شکور صبر را در حفظ از خطرها به پناهگاه و نزول کلام الهی را به بارش باران تشبیه کرده

است:

مَا بَاتَ غَيْرَ مَلَاذِ الصَّبْرِ مُعْتَصِمًا لَا يُعَصِّمُ الدِّينُ إِلَّا بِالْأُلَى صَبْرًا

(۲۰۱۰م: ۱۵۰)

أَنْزَلَ اللَّهُ قَوْلَهُ مِثْلَ غَيْثٍ وَ تَلَقَّاهُ كَالْهَنَاءِ مُحَمَّدٌ

(همان: ۲۸)

فرطوسی اندوه را در سوزاندگی به آتش و در جای دیگر اعمال صالح را- که نتیجهٔ ایمان و اعتقاد است- به بهترین میوه‌های رسیده تشبیه کرده است:

فَإِذَا بِالْقُلُوبِ نَارٌ شُجُونٍ وَ إِذَا بِالْعَيُونِ يَبُوعُ مَاءٍ

(۱۴۰۷ق: ۳۵۴)

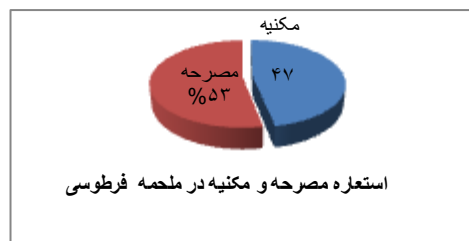
صَالِحَاتِ الْأَعْمَالِ خَيْرٌ ثَمَارٍ بِإِنْعَادٍ لَهُ وَ خَيْرٌ نَمَاءٍ

(همان: ۳۴۷)

۲-۲-۲ استعاره در ملحمه‌های فرطوسی و شکور

استعاره - که می‌توان آن را صورت فشرده و خلاصه شده تشبیه نامید- به عنوان یکی دیگر از انواع تصاویر بیانی، نقشی مهم در ساختار تصاویر شعری ایفا می‌کند. آنچه در استعاره مهم و اساس شناخت قدرت تخیل شاعر و انگیزه شگفتی و احساس لذت از زیبایی هنری است، همان کشف وجوه شباهت تازه و دقیق در میان اشیاء و شیوه بیان شاعر در ارائه استعاره است. برخی ادب پژوهان استعاره را اثربخش‌تر از تشبیه معرفی می‌کنند، به شرط آنکه دور از دسترس نبوده و کشف آن مستلزم تلاش و مجاهده بسیار نباشد؛ همچنین در نهایت وضوح نباشد که در این صورت بی‌تأثیر خواهد بود. (هلال، ۲۰۰۱م: ۱۲۴) استعاره به اعتبار حذف هریک از طرفین تشبیه، به دو صورت مصرّحه و مکنیه در می‌آید. دراستعاره مصرّحه مشبه به و در استعاره مکنیه مشبه باقی می‌ماند.

در ملحمه‌های منظور، هر دو شاعر برای بیان وقایع و حوادث با توصیف دلآوری قهرمانان از استعاره بهره برده‌اند. نمودار زیر نشان دهنده میزان استفاده دو شاعر از استعاره مصرّحه و مکنیه است:



نمودار شماره ۴

بررسی استعاره در دو ملحمه، نشان از استفاده از افعال در حجم وسیع در ملحمه شگور دارد و همین امر می‌تواند یکی از دلایل بسامد زیاد استعاره مکنیه در این ملحمه باشد؛ چرا که اغلب این افعال به عنوان یکی از لوازمات و حالات مستعارمنه در کلام ذکر شده، فراوانی افعال در تصاویر موجب پویایی و تحرک تصاویر استعاری در ملحمه شگور گردیده است.

شگور در هنگام به تصویر کشیدن عهدنامه ناعادلانه مشرکان که براساس آن ارتباط خود را با فرزندان مطّلب و مسلمانان قطع می‌کردند تا رسول خدا را به دست مشرکان بسپارند، با استعاره مصرّحه مسلمانان را در استواری و استقامت همچون آهن سخت تصویر می‌کند که هرگز تسلیم نقشه و نیرنگ مشرکان نشدند:

جَمَعْتُهُمُ الْجُلَى وَ صُلْبُ شَكِيمَةَ لَيْسَتْ تَلِينُ

(۶۶:م:۲۰۱۰)

از استعاره‌های مصرحاً مقبول فرطوسی که در موارد متعدّد از آن بهره برده است، استعاره نور و روشنایی از هدایت و استعاره ظلمت و سیاهی از گمراهی است. شاید بتوان دلیل این امر را ارتباط تنگاتنگ شاعر با آیات دانست؛ چرا که در آیاتی از قرآن کریم این استعارات دیده می‌شود: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (بقره/۲۵۷) در حقیقت در این استعارات با استفاده از زمینه‌های حسی و مادی، حقایق معنوی نشان داده می‌شوند. وی در توصیف هدایتگری اسلام، آن را شعاعی از نور هدایت که در میان طبقاتی از تاریکی‌های ظلمانی تابیدن گرفته تصویر می‌کند:

وَ شُعَاعًا مِّنَ الرَّشَادِ ضِيًّا بَيْنَ أَطْبَاقِ ظُلْمَةٍ عَشَوَاءِ

(۱۴۰۷:ق:۱۴۲)

شکور برای ترسیم علاقه و محبت وافر یثربیان به تعالیم اسلام، با استفاده از استعاره مکنیه، دین اسلام را همچون معشوقی می‌داند که یثربیان به آموزه‌های آن عشق می‌ورزیدند:

عَشِقُوا تَعَالِيمَ السَّمَاءِ وَ كَسَرُوا الْأَصْنَامَ إِذْ صَلَّوْا هُنَاكَ وَ سَلَّمُوا

(۱۱۴:م:۲۰۱۰)

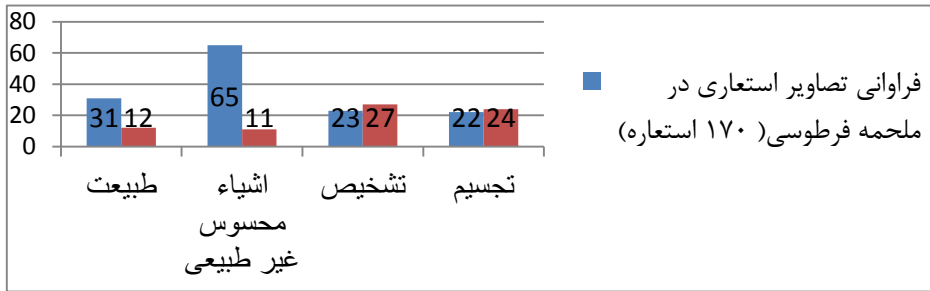
فرطوسی نیز در توصیف پیامبر اسلام (ص) ایشان را به پرنده‌ای تشبیه کرده که بال‌های تواضع خود را بر انسان‌ها گسترده و پرهای متکبران و ظالمان را فرو ریخته است:

وَ جَنَاحٍ مِّنَ التَّوَّاضِعِ أَهْوَتْ لِغُلَاةٍ قَوَادِمِ الْكِبْرِيَاءِ

(۱۴۰۷:ق:۱۳۷)

۱-۲-۲-۲ عناصر تصاویر استعاری در ملحمه‌های فرطوسی و شکور

نگاه اجمالی به عناصر تشکیل دهنده تصاویر نشان می‌دهد که برخلاف عناصر تصاویر تشبیهی عنصر طبیعت، نقشی کم‌رنگ‌تر در استعارات هر دو ملحمه ایفا می‌کند و برعکس جانداران و اشیای محسوس غیرطبیعی از فراوانی بیشتر برخوردار هستند. تشخیص و تجسیم هم که به عنوان دو بازوی پرتوان استعاره در شکل‌گیری تصاویر به شمار می‌روند، در هر دو ملحمه کاربرد فراوان دارند. نمودار زیر مبین فراوانی عناصر تصاویر استعاری در دو ملحمه است:



نمودار شماره ۵

فرطوسی در ترسیم شدت اندوه مسلمانان از رحلت پیغمبر اکرم (ص)، چشمه پرآب را استعاره از چشمان اشک بار آورده است:

فاذا بالقلوب نازُ شُجُونٍ و إذا بالعيون ينبوغ ماءً

(۱۴۰۷ق: ۳۵۴)

شگور به هنگام توصیف شجاعت حضرت علی (ع) در جنگ بدر ایشان را همچون طوفانی شدید ترسیم می‌کند که هرگاه وزیدن بگیرد از بادهای وزنده چه کاری برخواهد آمد؟ وی بادهای وزنده را استعاره از دشمنان دانسته است:

لله أنت إذا عصفت مُزَجِرًا وَسَطَ الصَّفوفِ فَمَا الرِّياحُ الرَّعْرَعُ؟

(۲۰۱۰م: ۱۳۵)

در میان استعارات به کار رفته از اشیای محسوس غیرطبیعی در دو ملحمه نوع واژه‌ها همگی از اسباب و لوازمی است که انسان در طول زندگی خود با آن‌ها در ارتباط است. واژه‌هایی همچون ساختمان، سد، پناهگاه، ریسمان، آتش، نور، تاریکی، ظرف، غذا و ... فرطوسی در قطعه «وفاة النبی صلی الله علیه و آله» چراغ روشن، بهترین پرچم، پناهگاه محکم و بالاترین ساختمان را در هدایتگری و استواری از رسول خدا-صلی الله علیه و آله- استعاره آورده است:

فَجَبَا لِلهُدَى سِرَاجٌ مَنِيرٌ وَ انطَوَى لِلجِهَادِ خَيْرٌ لَوَاءٍ
وَ تَدَاعَى لِلحَقِّ حِصْنٌ مَنِيْعٌ وَ هَوَى لِلرَّشَادِ اَسْمِي بِنَاءٍ

(۱۴۰۷ق: ۳۵۴)

شگور با استعاره مکتبه حسرتی را که رسول اکرم (ص) پس از وفات مادرشان برای دیدار ایشان داشتند، به آتشی تشبیه کرده که در سینه مبارکشان زبانه می‌کشیده است:

هُوَ عَادَ لَكِنْ اُمُّهُ مَاتَتْ وَ بَاتَتْ حَسْرَةً فِي صَدْرِهِ تَنْضَرُمُ

(۲۰۱۰م: ۸۷)

بخشی عمده از دو عنصر دیگر تصاویر استعاری؛ یعنی جانداران و مفاهیم انتزاعی در دو بخش تشخیص و تجسیم بررسی می‌گردد. تشخیص یکی از گونه‌های تصویرپردازی است که شاعر از طریق آن، تصاویر خود را سرشار از زندگی و حیات می‌کند که ارسطو آن را «نهادن اشیای در زیر چشم»؛ یعنی نیروی حرکت و حیات بخشیدن به اشیاء خوانده است. (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵ش: ۱۵۴) اگرچه اصطلاح تشخیص اصطلاحی نو در حوزهٔ بلاغت است، در حقیقت با استعارهٔ مکنیهٔ مشترکاتی دارد و جستجو در کتاب‌های بلاغت این عقیده را تأیید می‌کند که همواره مثال‌های استعارهٔ مکنیه، مثال‌هایی در حوزهٔ تشخیص است. (همان: ۱۵۳) در هر صورت، تشخیص از زیباترین صور بیانی به حساب می‌آید؛ زیرا به جمادات تشخص، زندگی و حرکت می‌بخشد و امور معنوی را به صورت زنده و ملموس به تصویر می‌کشد. (فاضلی، ۱۳۶۵ش: ۳۳۵)

در بررسی آثار مورد نظر، دو شاعر در جان بخشی به جمادات گاهی از افعال کمک می‌گیرند. فرطوسی آسمان و زمین را به انسانی تشبیه کرده است که از شدت حزن و اندوه بر شهادت امام حسین (ع) می‌گرید:

سَوْفَ تَبْكِي السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ حُزْنًا عِنْدَ قَتْلِ الْحُسَيْنِ فِي كَرْبَلَاءِ

(همان: ۱۹۷)

شکور در بیان شجاعت و دلاوری حضرت علی -علیه السلام- شمشیرها را به انسان‌هایی تشبیه می‌کند که در مقابل شمشیر آن حضرت فروتنی و خضوع می‌کنند:

مَنْ يَا عَلِيُّ كَمِثْلِ سَيْفِكَ صَارُمًا تَعْنُو لِهُيْبَتِهِ السُّيُوفُ وَ تَجْرَعُ

(۲۰۱۰م: ۱۳۵)

دو شاعر گاهی برای جان بخشی از یکی از اعضای انسانی یا حیوانات کمک گرفته‌اند؛ چنانکه فرطوسی از عبارات «صدر الأرض و عیون السماء» بهره برده است:

وَ زِحَامٌ ضَاقَتْ بِهَ الْأَرْضُ صَدْرًا مِنْ سَرَايَا الْحَجِيجِ فِي الْبَيْدَاءِ

(۱۴۰۷ق: ۲۷۱)

عَبَّرَ اللَّهُ مَعْشَرًا مَا بَكَتْهُمْ حِينَ مَا أَهْلَكُوا عُيُونَ السَّمَاءِ

(همان: ۱۹۷)

شکور نیز از عبارات «رأس النوب، عنق الكفر» از اعضای انسانی برای تشخیص استفاده کرده است:

تَقْتَضِي الدَّعْوَةَ فِيهَا بَطْلًا عَزْمُهُ يَقْرَعُ رَأْسَ النَّوْبِ

(۲۰۱۰م: ۳۰)

لَتَقْدُ عُنُقَ الْكُفْرِ تَحْرُسُكَ الْمَلَائِكُ وَالْإِلَهُ الْمُحْتَوِيكَ الْأَرْوُعُ

(همان: ۱۳۵)

گاهی نیز با دادن صفات انسانی به اشیای غیر مادی، آن‌ها را در قالب صور مادی در آورده- اند. فرطوسی فتنه بعد از وفات رسول اکرم-صلی الله علیه و آله- را با صفت عمیاء (نابینا) همراه کرده است:

لَكَأَنَّيَّ الْأَفَيْتُكُمْ بَعْدَ مَوْتِي فِي أَضَالِيلِ فِتْنَةِ عَمِيَاءِ

(۱۴۰۷ق: ۱۶۷)

شکور در ترسیم لילה المبيت و فردای آن، صبح را با صفت خندان و شب را با بار سنگین نگرانی تصویر می‌کند:

وَ يَلُوحُ صُبْحٌ ضَا حِكٌ مُتَأَلِّقٌ وَ يَزُولُ لَيْلٌ بِالْهَوَاجِسِ مُثْقَلٌ

(۲۰۱۰م: ۱۰۶)

صنعتی دیگر که در نقد جدید به آن پرداخته شده، تجسیم است که در اصطلاح به معنای صورت جسمانی دادن به امور معنوی و غیر مادی است یا به عبارت دیگر امور مجرد را به صورت مادی و محسوس و ملموس شناسایی و لباس مادی بر اندام آن‌ها پوشاندن است. (فاضلی، ۱۳۶۵ش: ۳۲۹)

در مقایسه دو ملحمه مواردی از تجسیم مشاهده گردید که با توجه به میزان ابیات دو شاعر و تعداد استعارات، نگاه شکور به تجسیم پررنگ بوده است که با توجه به آنچه پیش از این گفته شد، با غرض ملحمه سازگارتر است. از مفاهیم معنوی که با توصیفات مادی و محسوس در قالب‌های مجسم و عینی به نمایش گذارده شده می‌توان به نمونه های زیر اشاره کرد:

شکور در بیان ویژگی‌های پیامبر اسلام با استعاره‌ای مکنیه، سختی‌ها را به طعام تشبیه کرده که پیامبر- صلی الله علیه و آله- آن را چشیده و با همه وجود دریافت کرده است:

كُلُّ الْمِكَارِ ذَاقَهَا وَ وَقَاهُ جُلْمٌ وَ اخْتِمَالٌ

(۲۰۱۰م: ۱۲)

فرطوسی نیز در توصیف گناهان با استعاره‌ای مکنیه آن را به بار سنگینی تشبیه کرده که پشت انسان‌ها از آن به سختی و تعب افتاده است:

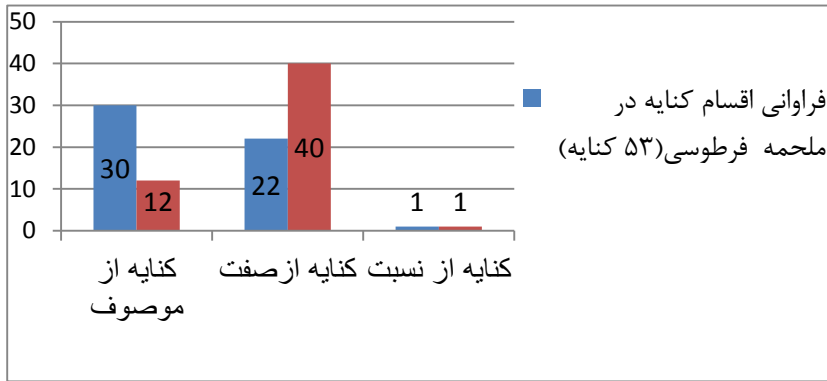
إِنَّ هَذِي الظُّهُورَ مِنْكُمْ جَمِيعًا
أَنْقَلَتْ بِالْأَوْزَارِ بَعْدَ الْعِناءِ

(۱۴۰۷ق: ۳۳۲)

۳-۲-۲ کنایه در ملحمه‌های فرطوسی و شکور

ادبیات و بویژه شعر، شیوهٔ غیرمستقیم بیان و اندیشه و گریز از منطق عادی گفتار است و از این رو، در گزارش لحظه‌ها و اندیشه‌ها، مردان هنری، از صور گوناگون خیال و شیوهٔ ادای معنا به طریق غیرمستقیم استفاده می‌کنند. کنایه نیز از صور خیال در ادب و شعر هر زبانی است و از دیرباز اهل ادب و منتقدان به اهمیت و میزان تأثیر آن در اسلوب بیان توجه داشته‌اند. قدما همواره بر این نکته اشاره داشته‌اند که کنایه رساتر از تصریح است. جرجانی در توضیح این عقیدهٔ قدما می‌گوید: «هنگامی که کنایه ای در سخن آورده شود؛ به معنی این نیست که بر ذات آن چیزی افزوده شده بلکه مقصود این است که در اثبات و پایدار کردن آن چیز افزوده شده است؛ یعنی آن مفهوم را رساتر، مؤکدتر و شدیدتر بیان کرده‌ایم.» (جرجانی، ۱۴۱۲ق: ۵۸) به نظر می‌رسد در اقسام کنایه، آنچه معنا را در نزد خواننده یا شنونده تأکید می‌کند، لفظی است که گوینده به کار برده، خواه کنایه از موصوف یا صفت باشد خواه از نسبت؛ زیرا مکنی به معنا و مفهومی عمیق تر از لفظ مکنی عنه ارائه می‌دهد.

در کنار تشبیهات و استعارات، استفاده از تعابیر کنایی و غیرمستقیم بر صبغهٔ ادبی دو ملحمه افزوده و تصاویر شعری آن دو را کامل نموده است. در مقایسه بین دو ملحمه فراوانی کنایه یکسان است و با توجه به حجم ابیات، نشان از کاربرد فراوان کنایه در ملحمه شکور نسبت به فرطوسی است. هر دو شاعر از انواع کنایه در زیباتر جلوه دادن تصاویر بهره برده‌اند.



نمودار شماره ۶

کنایه از صفت که در ذکر کردن آن، صفت مورد نظر است، در دو ملحمه کاربرد داشته است. نکته قابل توجه در ملحمه فرطوسی، استفاده وی از تعبیر کنایی در آیات و روایات است. وی مأوی سعاده و شقاوه را کنایه از بهشت و جهنم و بیاض الوجوه و سواد الوجوه را کنایه از بهشتیان و جهنمیان می‌آورد. ارتباط تنگاتنگ وی با آیات و روایات دلیل این امر است. فرطوسی در جای دیگر، برای ترسیم تلاش رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - برای به ثمر رساندن دین اسلام، ایشان را خطاب قرار داده و بالا بردن بنای رفیع اسلام را تنها با ید بیضایی ایشان امکان پذیر می‌داند. فرطوسی ید بیضاء را کنایه از صفت قدرت و توان خارق العاده آورده است:

قَدْ رَفَعْتَ الْإِسْلَامَ صَرْحًا مَنِيعًا بِيَدٍ مِنْكَ لِلْهُدَى بِيضاءٍ

(۱۴۰۷ق: ۱۴۲)

شکور با استفاده از کلمه «ترب» به بخشندگی حضرت ابوطالب اشاره می‌کند، در جایی که در زمان خشکسالی مکه، قریش به نزد او آمده و از او خواستند تا دعای باران بخواند؛ زیرا او را همزاد بخشش می‌دانستند. شکور ترب ندی و ترب نوال را کنایه از شدت بخشش ایشان می‌آورد:

رُحْمَاكَ فَاسْتَسْقِيَ الْعَمَامَ لِقَوْمِنَا فَأَلَأْتِ تَرْبُ نَدَى وَ تَرْبُ نَوَالٍ

(۲۰۱۰م: ۱۳)

و در تصویرگری مقدمات جنگ بدر، پاره شدن ریسمان بین قریش را کنایه از تفرقه و شکست آن‌ها می‌آورد:

حَابَ الرَّجَاءِ فَلَا صِلَاتٍ لَا هُدَى وَ الْحَبْلُ بَيْنَهُمَا الْعِدَاءَ سَيَقْطَعُ

(همان: ۱۳۰)

کنایه از موصوف که مقصود از آوردن کنایه، موصوف است نیز در دو ملحمه کاربرد داشته است. در هر دو ملحمه بخشی از این نوع کنایه، استفاده از اوصاف یا القاب اشخاص برای کنایه از آن فرد است. در ملحمهٔ شکور، حیدرة الزمان و فارس المضممار کنایه از حضرت علی^(ع) و حمالة الحطب کنایه از زن ابولهب آمده است. فرطوسی خاتم الأنبياء را کنایه از رسول خدا، سید البطحاء کنایه از حضرت ابوطالب، سید الشهداء کنایه از حضرت حمزه، ناصرالدین و بطل الدین و سید الأوصیاء را کنایه از حضرت علی^{علیه السلام} - آورده است.

در موارد دیگر در جایی که **شکور** به نگرانی یهود از پیشرفت کلام و اندیشه پیامبر اسلام در میان مردم اشاره می‌کند کلمهٔ «أصغریه» را کنایه از زبان و فکر می‌آورد.

ألم اليهودُ لِمَا بَيَّنُّ مُحَمَّدٌ مِنْ أَصْغَرِيهِ فَفَكَّرُوا أَنْ يَتَأْرُوا

(همان: ۲۰۱۰م: ۱۲۵)

و در جریان جنگ بدر، «أسياد سيف» را کنایه از رهبران و فرماندهان جنگ بیان می‌کند:

صَدَرَتْ أَوَامِرُهُ تَقُولُ لِقَادَةِ أَسْيَادِ سَيْفٍ بِالْجِهَادِ تَمْتَعُوا

(همان: ۱۳۴)

فرطوسی «زمرة الغدر» (گروه بی‌وفایان) را کنایه از دشمنان حضرت علی^(ع) و «أهل الوفاء»

را کنایه از محبان و دوستداران ایشان می‌داند:

أَهْلَكَ اللَّهُ زَمْرَةَ الْغَدْرِ مِنْكُمْ رَجَمَ اللَّهُ كُلَّ أَهْلِ الْوَفَاءِ

(همان: ۳۲۸)

تفتازانی نوعی دیگر از کنایه را با عنوان «کنایه از نسبت» معرفی می‌کند؛ بدین معنا که گاهی به جای اینکه نسبت را مستقیم به کسی بدهیم، به متعلق آن که در اتصال و پیوند با آن است، نسبت می‌دهیم. (۱۳۸۳ش: ۴۰۲-۴۰۱) کنایه از نسبت با فراوانی بسیار اندک - یک مورد - در هر دو ملحمه نشان از توجه بیشتر هر دو شاعر به کنایه از موصوف و صفت دارد.

فرطوسی در قطعهٔ «وفاة النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ آمَادَة شَدْنَ بَهْشْتِ بَرَايَ وَرُودِ رَسُولِ أَكْرَمِ -

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - را ترسیم و بیان می‌کند. ملائکه ای که حله‌هایی از کرامت و نور بر تن دارند، در انتظار پیامبر اکرم - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - هستند. وی به جای اینکه کرامت و درخشش را به

خود ملائکه نسبت بدهد به لباس ایشان نسبت داده است.

هَذِهِ زُمْرَةُ الْمَلَائِكِ تُكْسِي خُلُلًا مِنْ كِرَامَةٍ وَ بَهَاءِ

(۱۴۰۷ق: ۳۵۳)

شکور نیز در بیان شجاعت و دلاوری حضرت علی-علیه السلام- ایشان را دارنده شمشیری می‌داند که هرگز شکست نمی‌خورد. وی به جای نسبت شکست‌ناپذیری به آن حضرت، آن را به شمشیر ایشان نسبت داده است:

سَيِّدُ الْعَرَبِ عَلِيٌّ وَالْوَعَى
سَيِّدُ السَّيْفِ الَّذِي لَا يَخْسِرُ

(۲۰۱۰م: ۱۵۶)

در بررسی ملحمه‌ها مواردی یافت گردید که هر دو شاعر کنایه را با تشبیه و استعاره همراه ساخته و بر زیبایی و جمال آن افزوده‌اند. شکور که برای کنایه از رحلت پیامبر اکرم (ص) از عبارت «تَغِيبُ شَمْسُ الرَّسُولِ» بهره برده، رسول خدا - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - را به خورشید تشبیه کرده است:

أَخَذَتْ تَلْمُ أَشْعَةَ وَ تَغِيبُ
شَمْسُ الرَّسُولِ بِمَا يَغِيبُ حَبِيبُ

(۲۰۱۰م: ۱۶۸)

فرطوسی هم برای کنایه از انسان بسیار گنجهکار از «أَبُو السَّيْفَاتِ» استفاده کرده که در آن استعاره مکنیه نهفته است، وی با تشبیه گناهان به انسان، حذف مشبه به (انسان) و ذکر ملازم آن (پدر)، کنایه را با استعاره همراه کرده است:

وَأَبُو السَّيْفَاتِ لَمْ يَحْطُ خُسْرًا
بِنَصِيبٍ مِنْ حَنَّةِ السُّعْدَاءِ

(۱۴۰۷ق: ۳۲۷)

همراه نمودن کنایه با تشبیه و استعاره در ملحمه فرطوسی بسیار اندک است و همین امر شاهی بر ادبی بودن ملحمه شکور است.

نتیجه گیری

فرطوسی و شکور دو شاعر ملحمه سرای معاصر هستند که تلاش نموده اند تا با استفاده از صور خیال، شخصیت و زندگی رسول خدا را به تصویر بکشند. جورج شکور ادیب مسیحی از انسان‌های حق جو و حقیقت طلبی است که از مرز ادیان عبور کرده و با دیده انصاف به ترسیم سجایا و فضایل اخلاقی رسول خدا (ص) پرداخته و با زبان ادبیات آن را به جهانیان عرضه کرده است.

از انواع صور خیال، تشبیه با انواع مختلف آن در دو ملحمه استفاده شده، نقطه مشترک دو ملحمه در عناصر سازنده تشبیه، برتری محسوس و چشمگیر عناصر طبیعی و اشیاء محسوس

غیر طبیعی است. از آنجا که ملحمه مجال تشبیهات و استعاراتی با عناصر حسی و تجربی است و نه امور انتزاعی، این امر در دو ملحمه به وضوح دیده می‌شود و مفاهیم انتزاعی بسیار اندک مجال حضور یافته‌اند.

در دو ملحمه استعاره نسبت به تشبیه از فراوانی کمتری برخوردار است. در کاربرد انواع استعاره نیز مشاهده گردید که استعاره مکنیه در ملحمهٔ شکور از فراوانی بیشتر برخوردار است که یکی از دلایل آن استفادهٔ شکور از افعال در حجم وسیع است و همین امر موجب تحرک و پویایی تصاویر در اشعار او شده است. تشخیص و تجسیم هم که به عنوان دو بازوی پرتوان استعاره در شکل‌گیری تصاویر به شمار می‌روند، در هر دو ملحمه کاربرد بیشتر دارند که با توجه به میزان ابیات دو شاعر نگاه شکور به تجسیم پررنگ تر بوده و با غرض ملحمه سازگارتر است.

در کنار تشبیهات و استعارات، استفاده از تعابیر کنایی و غیرمستقیم بر صبغهٔ ادبی دو ملحمه افزوده و تصاویر شعری آن دو را کامل کرده است. کنایه و انواع آن در ملحمهٔ شکور فراوانی بیشتری دارد، علاوه بر اینکه شکور سعی کرده است، کنایه را با تشبیه و استعاره همراه سازد. ابتکار و نوآوری و ارائه تصاویر جدید از ویژگی‌های بارز ملحمهٔ شکور است، امری که به ندرت در ملحمه فرطوسی دیده می‌شود.

در مجموع می‌توان بیان نمود که فرطوسی که عالمی مانوس با تاریخ و دین است، نظم تاریخی از نمودهای ملحمه اش است و در مقابل شکور -که شاعری متبحر و ادیب است- در بهره از صور خیال ظهور بارز و قوی داشته و تبحر ادبی خود را در اشعار محکم و استوارش به نمایش گذاشته است.

پی‌نوشت‌ها

۱. عبدالمنعم فرطوسی (۱۳۳۵ق- ۱۴۰۴ق) شاعر شیعه عراقی در شهر نجف یکی از مهمترین مراکز علوم دینی و اسلامی رشد کرده است. (مجلات، ۱۴۲۰ق: ۶۹) ملحمهٔ اهل البیت مهمترین و جاودانه-ترین اثر فرطوسی در بیست و هشت هزار بیت است که یک دائرة المعارف بزرگ به شمار می‌رود. مهمترین موضوعات ملحمه مباحث اعتقادی، زندگانی چهارده معصوم و علوم قرآنی است. در این پژوهش بخش زندگانی رسول اکرم (ص) از جلد اول بررسی شده است. این بخش حدود ۳۰۰۰ بیت از صفحه ۱۳۴ تا ۳۵۴ جلد اول را در برمی‌گیرد.

۲. جورج شکور (۱۹۳۵م-؟) شاعر مسیحی لبنانی با توجه به اشعاری که در مدح و وصف امام علی (ع)، امام حسین (ع) و رسول اکرم (ص) سروده، از منزلت اجتماعی خاصی در بین کشورهای اسلامی بخصوص جمهوری اسلامی ایران برخوردار گردیده است. وی هم اکنون عضو جمعیت فرهنگی عربی و عضو اتحادیه نویسندگان لبنانی است و بسیاری او را فقط به عنوان شاعر در نظر نمی‌گیرند، بلکه وی را استاد شعرا می‌دانند. شکور ملحمه الرسول - صلی الله علیه و آله - را در سال ۲۰۱۰م در ۱۱۰۰ بیت و ۶۷ قصیده سروده است. این نخستین بار است که یک شاعر غیرمسلمان به روایت زندگی پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - می‌پردازد. البته پیش از او بولس سلامه، شاعر مسیحی لبنانی، در ملحمه عید الغدیر به برخی از بخش‌های زندگی پیامبر اکرم اشاره‌ای داشته است. (سلامه، ۱۴۱۰ق: ۱۸-۴۷)

۳. برای رعایت وزن شعر، کلمه «من» تبدیل به «م» گردیده است.

۴. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: *أَمَّا الدُّنْيَا سَجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ*. (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۳۴۶)

منابع و مأخذ

الف. منابع عربی

۱. قرآن کریم

۲. ابن منظور، محمد بن مكرم. (۲۰۰۵م). *لسان العرب*؛ بیروت: دار الکتب العلمیة.
۳. تفتازانی، سعد الدین. (۱۳۸۳ش). *شرح المختصر*، چاپ اول، تهران: انتشارات اسماعیلیان.
۴. جرجانی، عبدالقاهر. (۱۴۱۲هـ). *اسرار البلاغة، الطبعة الاولى*، جدّة: دار المدنی.
۵. خطیب قزوینی، محمد بن عبد الرحمن. (۱۴۲۴ق). *تلخیص المفتاح*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۶. خفاجی، محمد عبدالمنعم. (د. تا). *الأدب العربی الحدیث*، قاهره: کتابخانه الکلیات الأزهریة.
۷. سلامه، بولس. (۱۴۱۰ق). *عید الغدیر*، چاپ چهارم، تهران: المؤسسة الثقافیة أنصار الحسین.
۸. شکور، جورج. (۲۰۱۰م). *ملحمه الرسول صلی الله علیه و آله*، الطبعة الاولى، بیروت: بی نا.
۹. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق). *الأمالی*، چاپ اول، قم: دار الثقافة.
۱۰. فاضلی، محمد. (۱۳۶۵ش). *دراسة و نقد فی مسائل بلاغیة هامة*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

۱۱. فرطوسی، عبدالمنعم. (۱۴۰۷ق). *ملحمه اهل البيت*، بیروت: مؤسسه اهل البيت.

۱۲. محلاتی، حیدر. (۱۴۲۰ق). *الشیخ عبدالمنعم فرطوسی حیاة و ادبه*، چاپ اول، قم: دارالمکتبة الأدبیة المختصة.

۱۳. هلال، غنیمی محمد. (۱۹۶۲م). *الأدب المقارن*، الطبعة الثالثة، قاهره: کتابخانه الانجلو المصریة.

۱۴. ----- (۲۰۰۱م). *النقد الأدبی الحدیث*، الطبعة الثانية، قاهره: تحضة مصر.

ب. منابع فارسی

۱. پورنامداریان، تقی. (۱۳۹۰ش). سفر در مه: تأملی در شعر احمد شاملو، چاپ سوم، تهران: نشر سخن.
۲. شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۰ش). ادوار شعر فارسی (از مشروطیت تا سقوط سلطنت)، تهران: نشر سخن.
۳. ----- (۱۳۷۵ش). صور خیال در شعر فارسی، تهران: نشر آگاه.
۴. شمیسا، سیروس. (۱۳۷۶ش). بیان، چاپ ششم، تهران: نشر فردوس.
۵. یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۷۲ش). جهان‌نگری، ترجمه جلال ستاری، تهران: نشر توس.

فصلنامه لسان مبین (پژوهشی ادب عربی)
(علمی - پژوهشی)
سال ششم، دوره جدید، شماره نوزدهم، بهار ۱۳۹۴
دراسة مقارنیه لصور الخیال فی ملحمتی فرطوسی و شکور*

زهرا خسروی ومکانی

أستاذة مشاركة بالجامعة الإسلامية الحرّة فرع تهران مرکزی

فاطمه السادات ارفع

دکتوراة بالجامعة الإسلامية الحرّة فرع تهران مرکزی

الملخص

يعد الخيال من المقومات الأساسية التي هي عمود كل قصيدة وقوامها. و من العناصر الأدبية التي تستبدّ بجوانب حياة الإنسان خاصة الفنية والفكرية والأدبية في حياة الأدياء حيث يسيطر عليها، فلا يوجد مجال الا و لها دور فاعل فيه حيث تظهر فيه هذه القوة المذهلة والساحرة، بل لها ظهور دائم، واضح في علم البيان و أبحاثه.

أما الملحمة الشعرية فهي نوع أدبي ذو أهمية بالغة في الأدب العربي المعاصر، و هي مجموعة من القصائد الطويلة التي تصور مواقف مختلفة من حياة شخصية عظيمة. و بين أنواع الملاحم تفوق أهمية الملاحم الدينية والاسلامية على غيرها. ومن الضروري أن نهتم بهذا النوع الأدبي اهتماماً خاصاً حيث لها مكانة عالية. و من هذه الملاحم ملحمتا الفرطوسي و شكور تدوران حول سيرة رسول الله (ص) و التي تسعى المقالة هذه لتسلط الضوء على بعض ملامح الجمال الأدبي فيهما.

من النتائج التي توصل إليها هذا المقال، تنوع الصور التشبيهية والاستعارات الكثيرة في الملحمتين، كما تتسم الملحمتان بالابداع وعرض الصور الجديدة كما تتميز ملحمة شكور عن غيرها بكثرة الكنايات والاستعارات المكنية.

الكلمات الدليلية: صور الخيال، الملحمة، رسول الله(ص)، الفرطوسي، الشكور

*- تاريخ الوصول: ۱۳۹۳/۰۴/۰۹ تاريخ القبول: ۱۳۹۳/۱۰/۲۹

عنوان بريدالكاتب الإلكتروني: fa_arfa@yahoo.com